

نام درس: نگارش

جمهوری اسلامی ایران

نام و نام خانوادگی: .....  
 مقطع و رشته: دهم (ریاضی و تمبری)  
 نام پدر: .....  
 شماره داوطلب: .....  
 تعداد صفحه سؤال: ۲ صفحه

محل مهر و امضاء مدیر	نمره به عدد:	نمره به حروف:
	نمره تجدید نظر به عدد:	نمره به حروف:
نام دبیر:	تاریخ و امضاء:	نام دبیر:
ع.ج.	سؤالات	ن.ا.
	بازشناسی	
۱	<p>کدام یک از متن های زیر عینی و کدام ذهنی است؟ (با ذکر دلیل توضیح دهید).</p> <p>*در تمام لحظات زندگی خاطراتی وجود دارد که یادآوری آن گاه قلب آدمی را سرشار از غم میکند و گاه پر از شادی و نشاط ، ای کاش خاطرت خوبمان را بیشتر از غم ها در یادمان نگه داریم.</p> <p>*خاطرات ماندنی تر از آنند که ما بخواهیم آنها را با سلاح گرم اشک هایمان در شب های سرد جدایی از بین ببریم و یا با شکر خنده های پنهانی در باغ رنگارنگ آرزوها بر لوح دلهایمان حفظشان کنیم.</p>	۱
۱	<p>برای هر یک از کلمات زیر بارش فکری کنید. (هر کدام پنج مورد کافی است)</p> <p>الف. واکسن</p> <p>ب. مربا</p>	۲
	سازه های نوشتاری	
۲	<p>متن زیر را بخوانید و به نثر ساده بازنویسی کنید.</p> <p>روزی یکی به نزدیک شیخ ما آمد و گفت: ای شیخ، آمده ام تا از اسرار حق چیزی با من بگویی. شیخ گفت: بازگرد تا فردا بازآیی. آن مرد برفت. شیخ بفرمود تا آن روز موشی بگرفتند و در حقه ای کردند و سر آن حقه محکم کردند. دیگر روز آن مرد باز آمد. گفت: ای شیخ، آنچه وعده کرده ای، بگو. شیخ بفرمود تا آن حقه به وی دادند و گفت: زنهار تا سر این حقه باز نکنی! آن مرد حقه را گرفت و برفت. چون به خانه رفت ، سودای آتش بگرفت که: آیا در این حقه چه سر است؟ سر حقه باز کرد. موش بیرون جست و برفت. آن مرد پیش آمد و گفت: ای شیخ، من از تو سر خدای تعالی خواستم، تو موشی در حقه ای به من دادی! شیخ گفت: ای درویش، ما موشی در حقه به تو دادیم، تو پنهان نتوانستی داشت، سر حق، چگونه نگاه توانی داشت؟</p>	۳
۱	<p>یکی از ضرب المثل های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید. ( تا ۴سطر)</p> <p>* که سعیت بود در ترازوی خویش</p> <p>*درخت هرچه بارش بیشتر می شود سرش فروتر می آید.</p> <p>* هر آنکس که دندان دهد نان دهد</p>	۴
صفحه ۱ از ۲		

۲	<p>از بیت های زیر یکی را به دلخواه انتخاب کنید و با توجه به دریافت خود آن را توضیح دهید.</p> <p>* مهمان سراسر خانه دنیا که اندرو  یک روز این بیاید و یک روز آن رود.</p> <p>* دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای  فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد</p> <p>* دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد  ابری که در بیابان بر تشنه ای ببارد</p>	۵
۱	<p>مفاهیم متضاد را در متن زیر بیابید .</p> <p>بعد از روشنی خنک صبح که از نگاه سیاه شب فرار کرده بود آن پرنده کوچک در جنگل بزرگ فراموشی ، لابه لای شاخه های انبوه درختان، پنهانی ، خاطرات تلخ و شیرین خود را آشکارا به یاد می آورد.</p>	۶
	<p>از بین موضوعات زیر یک مورد را انتخاب کنید و انشا بنویسید.</p> <p>الف. شیشه پنجره را باران شست/از دل من اما چه کسی نقش تو را خواهد شست</p> <p>ب. هوا بس ناجوانمردانه سرد است.</p> <p>ج. تقلب در امتحان.</p> <p>د. اگر کنترل خواب هایتان در دستتان بود چه می کردید.</p>	۷
صفحه ی ۲ از ۲		

جمع بارم : ۲۰ نمره



اداره ی کل آموزش و پرورش شهر تهران  
 اداره ی آموزش و پرورش شهر تهران منطقه ... تهران  
 دبیرستان غیر دولتی دخترانه سرای دانش واحد ...  
**کلید** سوالات پایان کده نوبت اول سال تحصیلی 1399-1400

نام دانش آموز: ...  
 نام خانوادگی: ...  
 تاریخ امتحان: ... / ... / 1399  
 ساعت امتحان: ...  
 مدت امتحان: ... دقیقه

راهنمای تصحیح

محل مهر یا امضاء مدیر

ردیف

۱- الف) غم و شادی و خاطرات و ... مفاهیم ذهنی هستند پس متن ذهنی گرا است  
 ب) انگ گریه - شب سرد - باغ رنگارنگ مفاهیم عینی هستند پس عینی گرا است

۲- ذکر مورد کلمه مرتبط برای هر واژه گمانه است

۳- روزی شخصی به نزد شیخ ناکند و گفت: ای شیخ آمده ام تا از رازهای الهی چیزی به من بیابوزی  
 شیخ گفت بازگرد تا فردا. آن مرد رفت. شیخ دستور داد موشی را بکشد و در جعبه ای قرار دادند  
 و در جعبه را محکم بستند. روز دیگر مرد بازگشت و به شیخ گفت آنچه موش داده بودی بلوک  
 شیخ دستور داد تا جعبه را به او دادند و گفت مراقب باش در جعبه را باز نکنی. آن مرد جعبه را  
 گرفت و رفت. وقتی به خانه رسید این فکر سرش زد که درون جعبه چه رازی است. در جعبه را  
 باز کرد. موش بیرون پرید و رفت. آن مرد سیخ شیخ رفت و گفت: ای شیخ من از تو راز  
 خدای را خواندم و تو موشی به من داری. شیخ گفت: ای درویش، ما موشی در جعبه به تو  
 داریم نتوانستی کله داری. راز خدا را چگونه ندانی داری

۴- نظر مصحح اولی است

۵- نظر مصحح اولی است

۶- شب و صبح - تلخ و شیرین

۷- نظر مصحح اولی است

جمع بارم: 20 نمره

نام و نام خانوادگی مصحح: سولور مدنی

امضاء: